

متن پرسش

با عرض سلام و تحیت: ابتدا جا دارد پیش از سوال با اجازه یک انتقاد بکنم، هرچند جوینده یابنده است، اما بنده چندین سال است که در مجموعه زیادی از پرسش‌ها غرق و گمراه بودم (و شاید هنوز هم باشم) و خداوند متعال با لطف خود مرا از آزمایش‌های دشوارتر معاف کرد. از زمانی که با نوشته‌های جنابعالی آشنا شده‌ام با خود می‌گویم اگر زودتر آشنا می‌شدم شاید کارهای مفیدی انجام می‌دادم، البته شاید آن آزمایش‌ها باعث این آشنایی شد. هر چند بزرگان چندان تمایل به خودنمایی ندارند ولی تصور می‌کنم، افراد بیشتری باید جنابعالی را بشناسند. به هر حال اگرچه هنوز توفیق دیدار جنابعالی را نداشته‌ام اما از راه دور روی شما را می‌بوسم. مسأله‌ای برای بنده پیش آمده که پیش از این یکبار در صفحه «تماس با ما» پرسیدم و بعداً متوجه شدم که از جای اشتباه استفاده کرده‌ام. اما سوال: فرض کنید کسی روشی یافته است که می‌تواند در مدت نسبتاً کوتاهی نه تنها در ساختار و طرز نگاه افراد به دنیا و معقولات ثانویه‌ای که دارند بلکه در اساسی‌ترین امور ادراکی‌شان دستکاری کنند. در واقع افراد در کنش‌هایشان خود تصمیم می‌گیرند اما واقعیت این است که این کنش به طور ناخودآگاه و توسط دیگری در ذهن آنها ایجاد شده، این مهم نه تنها در افراد (به عنوان فرد فرد) بلکه در جمع‌ها (به صورت توده‌ای) نیز قابل استفاده است. با فرض یاد شده: ۱. آیا اصولاً چنین کاری به لحاظ اخلاق اسلامی صحیح است؟ ۲. با توجه به محدودیت آگاهی ما حتی با فرض صحیح بودن اهداف، از کجا بدانیم تبعات آتی این دستکاری چیست؟ چه معیاری داشته باشیم (با فرض تأیید مورد اول) که از صحت اتفاقات آتی مطمئن باشیم؟ ۳. اگر شک داشته باشیم که این روش ممکن است به هر دلیلی به دست افراد نااهل بیافتد و ممکن است تبعاتی داشته باشد، با فرض تأیید دو مورد قبل، چطور از این اتفاق جلوگیری کنیم؟ عذر خواهی می‌کنم بابت طولانی شدن و پیچیدگی: خلاصه موارد فوق: آیا دستکاری در ذهن و انگاره‌های انسانی با هر هدفی (حتی صحیح) به لحاظ اخلاق اسلامی صحیح است؟ پیشاپیش از وقتی که بنده اختصاص دادید نهایت تشکر به عمل می‌آید. امیدوارم از نزدیک زیارتتان کنم. دمقس فادوسبان

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- بنده هم بدون آن‌که بسیاری از رفقا را دیده باشم، محبت قلبی خود را تقدیم‌شان می‌کنم تا در جهت قلبی آن‌ها که به سوی حق است؛ قلب این حقیر نیز روانه‌ی آن دیار شود ۲- به همان معنایی که داریم: «می‌رود از سینه‌ها در سینه‌ها / از ره پنهان، صلاح و کینه‌ها»

انسان‌ها تحت تأثیر همدیگر قرار می‌گیرند و اگر کسی در امر تحت تأثیر قرار دادنِ ذهن بقیه تلاش کند به نتایجی می‌رسد، ولی اولاً: خودش را از سلوکِ حقیقی که سیر به سوی ملکوت است، محروم می‌نماید. ثانیاً: خدمتی به طرف نکرده، زیرا او را به معرفتی نرسانده بلکه خطوراتی را در او ایجاد کرده. ثالثاً: حدّ این کار «ذهن» است و ذهن از ابعادِ مادونِ شخصیت انسانی است و آنچه ارزش دارد رشد عقلی است که با دادنِ معارف به افراد و با تزکیه‌ی افراد پیش می‌آید. موفق باشید